

جنسیت و مهاجرت: تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران

رسول صادقی^{*۱}
لیلا ولدوند^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۹

چکیده

مهاجرت، همانند هر فرایند اجتماعی دیگر، یک فرایند جنسیتی است. انگیزه‌ها، محدودیت‌ها و فرصت‌های مهاجرت برای مردان و زنان متفاوت است. امروزه، زنان حضور و مشارکت کمی و کیفی زیادی در فرایند مهاجرت دارند تا جایی که اخیراً مبحثی با عنوان «زنانه شدن مهاجرت» در ادبیات مهاجرتی مطرح شده است. مقاله پیش‌رو با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های فردی نمونه دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ به تحلیل جنسیتی رفتارهای مهاجرتی زنان و مردان و تعیین‌کننده‌های آن می‌پردازد. نتایج بررسی نشان می‌دهد در دو دهه اخیر سهم زنان در جریان مهاجرتی افزایش یافته است. زنان و مردان به دلایل و انگیزه‌های متفاوتی مهاجرت می‌کنند. حدود یک‌چهارم زنان در مقایسه با سه‌چهارم مردان مهاجر نقش فعالی در فرایند مهاجرت داشته‌اند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که حدود سه چهارم تفاوت‌های جنسیتی در ایفای نقش فعال در فرایند مهاجرت، ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین دو جنس می‌باشد. از این‌رو، ساختارهای اقتصادی مردانه و هنجارهای جنسیتی نقش مهمی در تبیین تفاوت‌های جنسیتی مهاجرت در ایران دارند.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، نابرابری جنسیتی، ساختار اقتصادی، مهاجرت داخلی، زنانه‌شدن مهاجرت.

۱- استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و موسسه مطالعات جمعیتی

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

*: نویسنده مسئول

مقدمه

یکی از مهمترین ویژگی‌های مهاجرت در عصر جدید که به عصر مهاجرت^۱ معروف است، "زنانه شدن مهاجرت"^۲ است (کاستلز و میلر، ۲۰۰۳ و دانکر و سیوکینگ، ۲۰۰۹). زنانه شدن مهاجرت، ابعاد کمی و کیفی دارد؛ در بُعد کمی افزایش حضور زنان در جریان‌های مهاجرتی^۳ به بیش از ۵۰ درصد و در بُعد کیفی، زنان دیگر فقط مهاجران تبعی^۴ نیستند، بلکه خود نیز نقش فعال و حضور مستقلی در فرایند مهاجرت دارند.

یکی از محورهای کلیدی مبحث زنانه شدن مهاجرت، جنسیت است. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر درباره جنسیت و مهاجرت نشان می‌دهند که جنسیت به‌طور اساسی روابط و ساختارهای اجتماعی را که بر علل و پیامدهای مهاجرت تأثیر می‌گذارد، تحت تأثیر قرار می‌دهد (کیورن و همکاران، ۲۰۰۶؛ کینگ، ۲۰۱۲). شواهد تحقیقاتی اخیر در کشورهای مختلف بیانگر آن است که هر نقطه از فرایند مهاجرت، جنسیت محور^۵ است و جنسیت، به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی- فرهنگی، نقش پررنگی در آن ایفاء می‌کند. جنسیت، نقش‌ها، روابط و نابرابری‌های جنسیتی، مسیرها و سازماندهی جریان مهاجرتی را شکل داده، افراد را به مهاجرت تشویق و یا از آن باز می‌دارند، پیامدها و تبعات مهاجرت در مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در نهایت، هویت و ادغام مهاجران را شکل می‌دهند (جولی و ریوس، ۲۰۰۵ و گاباسیا، ۲۰۱۳). از این‌رو، مردان و زنان در فرایند مهاجرت به یک اندازه سهم نداشته و انگیزه‌های آنان نیز متفاوت است. مردان عمدتاً با انگیزه‌های اقتصادی دست به مهاجرت می‌زنند، اما زنان بیشتر به دلایل اجتماعی و فرهنگی مهاجرت می‌کنند. مهاجرت زنان می‌تواند یک راه‌حل برای فرار از محدودیت‌ها و کمبودهای تحمیل‌شده ساختاری و خانوادگی و نیز فرار از کنترل اجتماعی و تبعیض جنسیتی و همچنین پیش‌داوری‌های موجود در جوامع مبدأ باشد و نیز امکان اشتغال در کارهایی که به‌طور اجتماعی در جامعه مبدأ محدودیت داشته را فراهم کند (اورتیز، ۱۹۹۶ و پارادو، ۲۰۰۵).

بنابراین، مهاجرت، همانند هر فرایند اجتماعی دیگر، یک فرایند جنسیتی است. انگیزه‌ها، محدودیت‌ها و فرصت‌های مهاجرت برای مردان و زنان متفاوت است. ارتباط متقابل و

-
1. Age of Migration
 2. Feminization of migration
 3. Migration movements
 4. Tied movers
 5. Gendered

تنگاتنگی بین جنسیت و مهاجرت وجود دارد؛ از یک‌سو، روابط و ساختار جنسیتی به‌طور اساسی شرایط و تصمیمات مهاجرتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و جنسیت، عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای برای درک و تحلیل علل و پیامدهای مهاجرت است. از سوی دیگر، مهاجرت موجب استقلال زنان، تغییر و بازتعریف نقش‌ها و ساختار جنسیتی می‌شود. با این وجود، در اکثر نظریه‌ها و مطالعات مهاجرتی، به‌ویژه در ایران، جنسیت نادیده گرفته شده و مهاجرت پدیده‌ای مردانه تلقی شده است.

زنانه شدن مهاجرت و اهمیت جنسیت در مطالعات مهاجرتی، روندی جهانی دارد اگرچه به‌دلیل تفاوت‌های بین فرهنگی، میزان و شدت آن متفاوت است. «در ایران نیز به‌دنبال تغییرات فرهنگی ایجادشده در اثر ورود به عصر مدرنیته و همچنین وقوع انقلاب اسلامی و برنامه‌های توسعه‌ای به‌ویژه در حوزه گسترش آموزش، موقعیت زنان در جامعه دچار تحولات بزرگی شده است. امروزه لزوم مشارکت زنان در ابعاد مختلف توسعه فرایندی اجتناب‌ناپذیر شده است و صاحب‌نظران توسعه، مهاجرت زنان را به‌عنوان نتیجه توسعه و معرف توانمندی زنان^۱ در نظر می‌گیرند» (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸). البته، بسته به جامعه و بستری که افراد به آنجا مهاجرت می‌کنند، مهاجرت می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان شود (کینگ، ۲۰۱۲).

مهاجرت داخلی یکی از ابعاد مهم پویایی جمعیت ایران در نیم‌قرن اخیر بوده است. علیرغم وجود مطالعات و پژوهش‌های متعدد در حوزه مهاجرت‌های داخلی در ایران، حوزه جنسیت و مهاجرت تا حدودی مغفول واقع شده است. از این‌رو، این مقاله به بررسی ابعاد کمی و کیفی حضور زنان در جریان‌های مهاجرت‌های داخلی در ایران می‌پردازد. هدف از مقاله، ارائه تحلیلی جنسیتی از روندها و الگوهای مهاجرت، بررسی مقایسه‌ای نقش و علل مهاجرت مردان و زنان و در نهایت ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از تفاوت‌های جنسیتی در نقش فعال مردان و زنان در جریان مهاجرت‌های داخلی در ایران است.

جنسیت و مهاجرت: رویکردهای نظری

در تبیین مهاجرت، به دلیل ماهیت چندوجهی و چند رشته‌ای بودن موضوع، نظریه‌های متعددی مطرح شده است که به‌طور خلاصه در سه رویکرد طبقه‌بندی و ارائه می‌شوند. رویکرد اقتصادی که رویکرد قدیمی و غالب تبیین‌کننده مهاجرت است، اغلب تحت عنوان

1. Women's empowerment

"تئوری‌های جاذبه - دافعه"^۱ شناخته می‌شود. در این رویکرد، مهاجرت با نابرابری درآمد، انتظارات شغلی، دافعه‌ها و جاذبه‌های اقتصادی تبیین می‌شود. در نقد تئوری‌های اقتصادی می‌توان گفت که دیدگاه اقتصادی در تحلیل‌های مهاجرتی منحصراً بر نابرابری‌ها و تفاوت‌های اقتصادی بین مناطق مبدأ و مقصد که توسط کنشگران عقلانی که به دنبال حداکثر سود و فایده هستند ارزیابی می‌شود، متمرکز است (مسی و همکاران، ۱۹۹۸: ۸). همچنین چنین رویکرد تحلیلی مهاجرت، عمدتاً فردگرایانه و غیرتاریخی است؛ زیرا بر تصمیمات فردی مبتنی بر مقایسه عقلانی هزینه‌ها و فایده‌های نسبی ماندن در یک منطقه معین یا مهاجرت به مکان دیگر تأکید دارد. همچنین این رویکردها از این جهت که نقش دولت، عوامل نهادی و تجارب تاریخی و پویایی اجتماع را نادیده می‌گیرند مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به همین دلیل رویکردهای نظری مکمل مطرح شده است. در این ارتباط، رویکرد تاریخی- ساختاری که ریشه‌های فکری آن برگرفته از اقتصاد سیاسی مارکسیستی و رویکرد نظام جهانی می‌باشد، مهاجرت را به‌عنوان پدیده‌ای می‌داند که منحصراً در پاسخ به شرایط ساختاری ایجادشده در بستر تاریخی، صورت می‌گیرد. در رویکرد نهادی - سیاسی، بر نقش دولت‌ها و قوانین در جریان مهاجرت‌های داخلی تأکید می‌شود. رویکرد نظام‌های مهاجرتی که رویکرد جدیدی در مطالعات مهاجرتی است تلاش می‌کند با دیدگاهی جامع و بین‌رشته‌ای تمامی ابعاد و سطوح خرد تا کلان تجربه مهاجرتی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد (کاستلز و میلر ۲۰۰۳؛ صادقی ۱۳۸۸).

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارده بر نظریه‌های متعارف مهاجرت، عدم توجه کافی به جنسیت است. در این زمینه، محققان فمینیستی مهاجرت، نظریه‌های مهاجرتی مذکور را از سه زاویه مورد انتقاد قرار داده‌اند؛ نخست، مهاجرت صرفاً فرایندی اقتصادی یا سیاسی نیست، بلکه آن همچنین فرایندی اجتماعی- فرهنگی است که توسط نهادها و ایدئولوژی‌های جنسیتی و خویشاوندی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. دوم، کنشگر مهاجرتی فقط فرد مهاجر نیست، بلکه خانواده و حتی خانوار هستند که تعیین می‌کنند کدام عضو خانوار مهاجرت کنند. از این‌رو، افراد مهاجر به واحدهای اجتماعی بزرگتر وابسته هستند. سوم، تنش‌ها و ائتلاف‌هایی که در درون سلسله مراتب جنسیتی ساخته می‌شوند فرایند مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند (لی، ۲۰۱۱: ۱۰).

از این‌رو، نظریه‌ها و تبیین‌های سنتی که عمدتاً برای تبیین مهاجرت مردان بوده است، در تبیین مهاجرت زنان ناکافی و ناقص هستند. در این زمینه تلاش‌های نظری انجام‌گرفته و چهار رویکرد شامل رویکرد تعادل نئوکلاسیک، رویکرد ساختاری، رویکرد رفتاری و رویکرد استراتژی‌های خانوار مطرح‌شده است. رویکرد تعادل / نئوکلاسیک به تبیین حرکات مهاجرتی زنان روستایی با فرصت‌های شغلی اندک و بازارهای کار شهری می‌پردازد. این رویکرد فرض می‌کند انگیزه‌های مهاجرت برای مردان و زنان یکسان می‌باشد. رویکرد ساختاری بر تغییر ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و سیاسی به‌عنوان تعیین‌کننده‌های مهاجرت زنان تأکید می‌کند. رویکرد رفتاری فرض می‌کند که زنان و مردان تحت نفوذ ایدئولوژی‌ها و هنجارهای فرهنگی تعیین‌کننده نقش‌های جنسیتی به رفتار مهاجرتی می‌پردازند. رویکرد استراتژی‌های خانوار نیز بر این فرض استوار است که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده بر مهاجرت زنان تأثیر می‌گذارد. بر اساس این رویکرد معمولاً یکی از اعضای خانوار برای کار مهاجرت می‌کند و در این زمینه معمولاً زنان با توجه به سلسله مراتب‌های اجتماعی-فرهنگی و ساختار قدرت در خانواده از مهاجرت منع می‌شوند (چانت و رادکلیف، ۱۹۹۲). علاوه بر این‌ها، دو نظریه دیگر در تحلیل تفاوت‌های جنسیتی مهاجرت ارائه‌شده است، یکی "نظریه منابع خانوادگی" و دیگری "نظریه نقش‌های جنسیتی" است. نظریه منابع خانوادگی بیان می‌کند که قدرت فرد در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن تابع منابع فردی است. بر اساس این نظریه، تصمیمات مهاجرت بستگی به سطح منابع انسانی و قدرت دستمزد دارد. نظریه نقش‌های جنسیتی بیان می‌کند که نقش‌ها و ایدئولوژی‌های جنسیتی به‌طور اساسی تصمیمات مهاجرتی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان صرف‌نظر از منابع فردی‌شان، یک نقش تابع و فرمان‌بردار در تصمیم‌گیری‌های مهاجرت خانوادگی دارند. به‌طور سنتی نقش‌های زنان کمتر از نقش‌های مردان در جهت فعالیت‌های بازار بوده است. از این‌رو زنان به‌احتمال زیاد تابعان و همراهان شوهرانشان در حرکات مهاجرتی باشند (چتوپادهای، ۲۰۰۰ و هوفمن، ۲۰۱۴).

علاوه بر نفوذهای جنسیت بر مهاجرت، همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده‌شده است، مهاجرت نیز جنسیت به‌ویژه ساختارهای و هنجارهای جنسیتی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهاجرت می‌تواند منبع استقلال، اعتمادبه‌نفس بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتر برای زنان باشد. مهاجرت بر روابط جنسیتی مخصوصاً نقش زنان در خانواده و اجتماع تأثیر

می‌گذارد. معمولاً زنان از جوامع سنتی و شهرهای کوچک به جوامع مدرن و شهرهای بزرگ می‌روند و بدین ترتیب با هنجارهای جدید مرتبط با حقوق و فرصت‌های زنان آشنا می‌شوند.



شکل ۱: الگوی تعاملی جنسیت و مهاجرت

منبع: بر اساس جولی و ریوس، ۲۰۰۵: ۹.

بدین ترتیب، در این مقاله برای تبیین و تحلیل تفاوت‌های جنسیتی از دو رویکرد ساختاری و رفتاری استفاده شده است. در رویکرد ساختاری بر ساختارها و منابع اقتصادی - اجتماعی متفاوت زنان و مردان و در رویکرد رفتاری بر ایدئولوژی‌ها، هنجارها و نقش‌های جنسیتی تأکید می‌شود. در واقع، بعد از کنترل منابع ساختاری (همانندی مشخصه‌ها) اگر تفاوت‌های جنسیتی مهاجرت باقی ماند، آن ناشی از عوامل فرهنگی مرتبط با هنجارهای جنسیتی است.

پیشینه تحقیق

ادبیات در حال گسترشی در خصوص جنسیت و مهاجرت وجود دارد. مطالعات مختلفی به تبیین ابعاد مختلف این موضوع پرداخته‌اند. کیورن^۱ و همکاران (۲۰۰۶) در بررسی جنسیت

1. Curran

و مهاجرت در چهار مجله معتبر بین‌المللی در حوزه علوم اجتماعی یعنی مجله آمریکایی جامعه‌شناسی (AJS)^۱، بررسی جامعه‌شناختی (ASR)^۲، نیروهای اجتماعی (SF)^۳ و جمعیت‌شناسی (D)^۴ در طول دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۳ نشان دادند که در مجله AJS، ۸ مقاله از ۳۷۱ مقاله (۲/۲٪)، در مجله ASR، ۲۲ مقاله از ۲۹۶ مقاله (۴/۵٪)، در مجله SF، ۳۴ مقاله از ۵۵۹ مقاله (۶/۱٪) و در مجله D، ۵۶ مقاله از ۴۱۰ مقاله (۱۳/۷٪) راجع به مهاجرت بوده‌اند. از این‌رو، در مجله جمعیت‌شناسی بیشتر به موضوع مهاجرت پرداخته است. شیوع مقالات جنسیت و مهاجرت در مقاله‌های مهاجرتی در این چهار مجله ۳۸ درصد بوده است. البته در نظر گرفتن جنسیت به‌عنوان عنصر و مؤلفه کلیدی در ۲۳ درصد مقالات مذکور بوده است. این موضوع در مجله بررسی آمریکایی جامعه‌شناسی (ASR) بیشتر و در مجله جمعیت‌شناسی کمتر بوده است.

استفورد^۵ (۱۹۸۴) از جمله محققانی است که به بررسی رابطه جنسیت و مهاجرت پرداخته است. وی اشاره می‌کند هرگونه تجزیه و تحلیل درباره مهاجرت بدون درک درست از نقش زنان در این فرایند ناقص می‌باشد، چرا که مهاجران زن روابط قابل‌توجهی در روند مهاجرت‌های زنجیره‌ای دارند و نقش آنان نه فقط به‌عنوان پیروان مرد، بلکه به‌عنوان افرادی با انگیزه برای بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود و خانواده می‌باشد. آرتز^۶ (۱۹۹۶) در تحقیقی درباره مهاجرت زنان پورتوریکو ضمن اشاره به افزایش توجهات به روابط متقابل جنسیت و مهاجرت بیان می‌کند زمانی که مردان در مهاجرت‌های موقت به سر می‌برند، زنان به‌عنوان فعالین اقتصاد خانواده در منزل نقش برجسته‌ای ایفاء می‌کنند و مهاجرت دائم مردان تنها در صورت همکاری زنان امکان‌پذیر است. وی همچنین درباره زنان مهاجر پورتوریکویی نتیجه می‌گیرد که مهاجرت برای زنان یک گزینه اقتصادی خوب برای استقلال بیشتر و همچنین یک استراتژی برای برخورد با ایدئولوژی‌های سنتی و مردسالارانه است. در واقع زنانی که خود را وابسته به مردان و حقوق‌ناچیز آن‌ها می‌بینند از مهاجرت به‌عنوان راهی برای استقلال خود استفاده می‌کنند. چراکه در خارج از خانه و در مقصد موانع کمتری

1. American Journal of Sociology
2. American Sociological Review
3. Social Forces
4. Demography
5. Stafford
6. Ortiz

برای تحصیل و متعاقباً اشتغال نسبت به مبدأ دارند. زنان مهاجر علاوه بر اشتغال می‌توانند برنامه‌هایی جانبی برای افزایش توانمندی خود در مقصد فراهم کنند.

آگسا (۲۰۰۳) در مطالعه تفاوت‌های جنسیتی در شکاف درآمدی شهر و روستا و شیوع مهاجرت مردان در کنیا نتیجه می‌گیرد ضریب برآورد تفاوت درآمد برای مردان شهری و روستایی از نظر آماری مثبت و معنی‌دار است، بدین معنی که این تفاوت‌ها اثر مثبتی بر مهاجرت مردان به شهرها دارد. درحالی‌که ضریب کسب درآمد برای زنان نیز مثبت است اما از نظر آماری معنی‌دار نیست. وی از این موضوع نتیجه می‌گیرد که رسیدن به دستمزدهای بالاتر برای مردان محرک بزرگی در انتقال روستاییان به نواحی شهری به‌شمار می‌رود و از آنجا که مردان از مهاجرت عواید بیشتری می‌گیرند، اغلب بیشتر از زنان اقدام به مهاجرت می‌کنند (موثقی جدیدی و خاتون‌آبادی، ۱۳۸۸). پارادو^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه زنان مهاجر مکزیک با تأکید بر متغیر و پیچیده بودن رابطه جنسیت و مهاجرت بیان می‌کند که مهاجرت در برخی موارد به‌وضوح موجب بهره‌مندی و ارتقاء زنان شده و در برخی ابعاد نیز به سبب ناآشنا بودن با مقصد و سطح پایین دانسته‌ها، مهارت‌ها و تخصص موجب تشدید نابرابری‌های جنسیتی و وابستگی بیشتر زنان به مردان شده است. در این شرایط، زنان مهاجر ممکن است نابرابری در فرصت‌های شغلی، دستمزد کم، ساعات طولانی کار و سوءاستفاده جنسی به دو دلیل زن بودن و مهاجر بودن تجربه کنند.

هوفمن^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه خود در گرجستان بر نقش و تأثیر ایدئولوژی‌های جنسیتی بر تصمیمات مهاجرتی مردان و زنان تأکید می‌کند. بر اساس نتایج این مطالعه، زنانی که مهاجرت می‌کنند عمدتاً از خانوارهایی هستند که اعتقادات یا ساختارهای جنسیتی برابری‌گرا^۳ دارند، در مقابل در خانوارهای سنتی، عمدتاً مردان مهاجرت می‌کنند. دوناتو و گاباسیا^۴ (۲۰۱۵) در مطالعه خود نشان دادند که ترکیب جنسیتی مهاجرت نه فقط بازتاب جنبش‌های زنان است، بلکه آن بازتاب تغییرات در سیاست‌های مهاجرتی (تقاضا برای نیروی کار زنان) و روابط جنسیتی در اقتصاد جهانی در حال تغییر است.

اگرچه پژوهش‌های جامعه‌شناختی قابل‌توجهی در سطح بین‌المللی در سه دهه اخیر درباره جنسیت و مهاجرت انجام گرفته است؛ اما در ایران، مطالعات اندک و موردی به این

-
1. Parrado
 2. Hofmanna
 3. Gender egalitarian
 4. Donato and Gabaccia

موضوع پرداخته‌اند. موثقی و خاتون‌آبادی (۱۳۸۸) در بررسی رابطه عوامل زمینه‌ای درون خانوار (ویژگی‌های فرد مهاجر و سرپرست خانوار) و مهاجرت اعضای خانوارهای روستایی به شهرها نشان دادند که به ترتیب سه متغیر جنسیت (مرد بودن) فرد مهاجر، غیر شاغل بودن سرپرست خانوار و تنوع منابع درآمدی قوی‌ترین عوامل مؤثر بر مهاجرت به شهر اعضای خانوارهای روستایی می‌باشند. مطالعه اسماعیلی (۱۳۸۸) در خصوص نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی در شهر همدان نشان داد که نیمی از پاسخگویان در فرایند مهاجرت نقش مشارکتی با همسران خود داشته‌اند، یک‌چهارم نقش بیشتر منفعلانه و تابع و یک‌چهارم دیگر نقش فعالی در فرایند مهاجرت داشته‌اند. همچنین، مطالعه حسن‌پور فرد (۱۳۸۹) نشان داد که تفاوت‌های جنسیتی در زمینه عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت وجود دارد. برای مردان عوامل اقتصادی و برای زنان عوامل اجتماعی - فرهنگی نقش و اهمیت بیشتری دارند. نتایج مطالعه جعفری (۱۳۹۰) در بررسی تحولات مهاجرت زنان در نقاط شهری شهرستان مشهد نشان داد که عواملی نظیر سن، تحصیلات، اشتغال، مسافت و مهمتر از همه پیروی از خانوار نقش مهمی را در مهاجرت زنان به شهرستان مشهد ایفا می‌کنند. مشفق و خزایی (۱۳۹۴) به بررسی ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان برحسب مقصدهای عمده مهاجرتی پرداخته‌اند. نتایج این بررسی، دو الگوی مهاجرتی برای زنان شامل مهاجرت به‌عنوان استراتژی توسعه‌ای حرفه‌ای و فردی و مهاجرت به‌عنوان استراتژی بقاء را نشان می‌دهد.

بدین ترتیب، توجه روزافزونی به تعامل جنسیت و مهاجرت در مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی در سطح بین‌المللی وجود دارد. در این مطالعات، از یک‌سو، جنسیت، به‌عنوان عامل مهم و تعیین‌کننده درک و تحلیل علل و پیامدهای مهاجرت بررسی شده است. از سوی دیگر، پیامدهای مهاجرت بر تغییر و بازتعریف نقش‌ها و ساختار جنسیتی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از مطالعات در سطح توصیفی به ارائه تفاوت‌های جنسیتی در الگوها و فرایندهای مهاجرتی پرداخته و برخی دیگر به تحلیل این تفاوت‌ها بر مبنای نابرابری‌های جنسیتی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین هنجارهای جنسیتی پرداخته‌اند. باین‌وجود، در اکثر مطالعات مهاجرتی در ایران، جنسیت نادیده گرفته شده و مهاجرت پدیده‌ای مردانه تلقی شده است. بر این اساس، در این مقاله با استفاده از جنسیتی به تحلیل مهاجرت‌های داخلی اخیر در ایران و کندوکاو و تحلیل تفاوت‌های جنسیتی مهاجرت می‌پردازیم.

روش و داده‌ها

در این مقاله از روش تحلیل ثانویه^۱ استفاده شده است. یکی از عمده‌ترین منابع داده‌ای در تحلیل‌های ثانویه، داده‌های خرد سرشماری^۲ است که مرجع داده‌ای مقاله حاضر را نیز تشکیل می‌دهد. داده‌های خرد سرشماری، داده‌های فردی افراد مورد سرشماری است که برای دو درصد کل جمعیت ایران در سال ۱۳۹۰ استخراج و در اختیار محققان قرار گرفته است. مقاله پیش رو ضمن استفاده از داده‌ها و نتایج کلی سرشماری ۱۳۹۰، بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های فردی نمونه دودرصدی سرشماری مذکور به تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت با تأکید بر نقش آنها در فرایند مهاجرتی می‌پردازد.

بر اساس داده‌های نمونه دودرصدی، تعداد ۹۵۵۴۱ نفر محل سکونت خود را در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تغییر داده بودند. با توجه به اینکه بیش از ۹۵ درصد جمعیت زیر ۱۰ سال را مهاجران تبعی تشکیل می‌دهد و در بین زنان و مردان این گروه سنی به لحاظ نقش‌شان در فرایند مهاجرتی تفاوتی وجود ندارد، این گروه سنی که تعداد ۱۵۰۴۷ نفر از کل مهاجران این دوره را تشکیل می‌دهد کنار گذاشته شد. همچنین تعداد ۲۴۵۳ نفر نیز دلیل تغییر محل اقامت خود را اظهار نداشته از تحلیل‌ها خارج شدند. از این‌رو، نمونه مورد بررسی افراد ۱۰ ساله و بیشتر را شامل می‌شود که تعداد آنها برابر با ۷۸۰۴۱ نفر مشخص شد. از این تعداد ۵۱ درصد مرد (۳۹۸۰۲ نفر) و ۴۹ درصد زن (۳۸۲۳۹ نفر) بوده‌اند.

نتایج

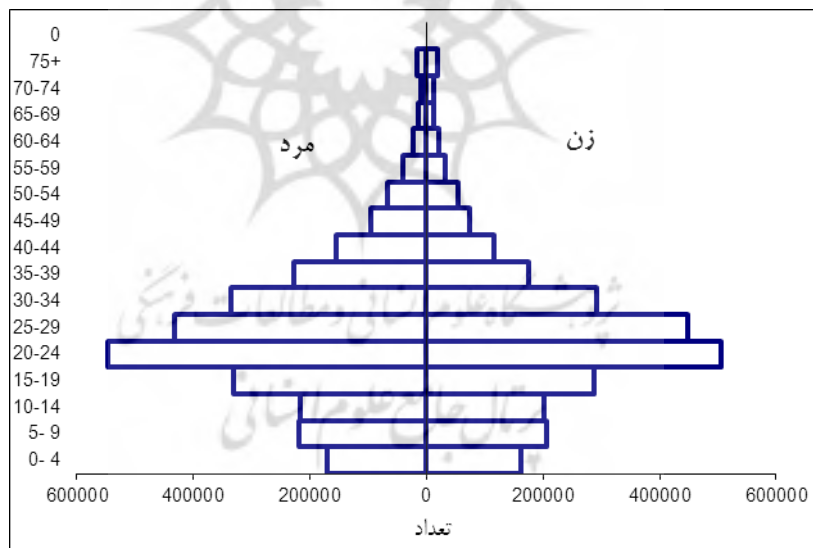
(۱) جنسیت، الگوها و فرایندهای مهاجرتی زنان و مطالعات فرسنگی
بررسی میزان حضور زنان و مردان در فرایندهای اخیر مهاجرتی در ایران نشان می‌دهد که سهم زنان در جریان‌های مهاجرت داخلی از ۴۴ درصد در دوره ۸۵-۱۳۷۵ به حدود ۴۸ درصد در دوره ۹۰-۱۳۸۵ افزایش یافته است. از این‌رو، حضور زنان در مهاجرت‌های داخلی در حال افزایش است.

در پنج سال اخیر (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰) از مجموع ۵,۰۳۸,۴۵۵ نفر که محل اقامت خود را در داخل کشور تغییر داده‌اند، ۷۹/۷ درصد منشأ شهری و ۲۰/۳ درصد منشأ روستایی دارند. نسبت جنسی مهاجران با منشأ روستایی برابر با ۱۲۶ و نسبت جنسی مهاجران با منشأ

1. Secondary analysis

2. Micro-census data

شهری ۱۰۶ بوده است. از این‌رو، حضور زنان در مهاجرت‌های داخلی با منشأ شهری بیشتر و محسوس‌تر از مهاجران روستایی است. همچنین، از مجموع ۴,۰۱۴,۵۸۶ نفر مهاجری که محل اقامت قبلی آنها شهر بوده، ۸۱/۲ درصد به سایر شهرها (مهاجرت شهر به شهر) و ۱۸/۸ درصد به نقاط روستایی (مهاجرت شهر به روستا) وارد و ساکن شده‌اند. به‌علاوه از مجموع ۱,۰۲۳,۹۵۹ نفر که محل اقامت قبلی‌شان روستا بوده، ۶۴ درصد به شهر (مهاجرت روستا به شهر) و ۳۶ درصد به سایر نقاط روستایی (مهاجرت روستا به روستا) مهاجرت کرده‌اند. سهم و مشارکت زنان در مهاجرت‌های شهر به شهر بیشتر بوده است. علاوه بر این، در دوره اخیر حدود ۶۱ درصد مهاجرت‌های داخلی درون استانی و ۳۹ درصد برون‌استانی بوده است. سهم زنان در مهاجرت‌های درون استانی (۴۹/۶ درصد) بیشتر از مهاجرت‌های برون‌استانی (۴۴/۵ درصد) بوده است. این یافته با قوانین مهاجرتی راونشتاین که بیان می‌کند زنان در فاصله‌های جغرافیایی کوتاه بیشتر مهاجرت می‌کنند و مردان در فاصله‌های جغرافیایی طولانی، تسلط بیشتری دارند، همخوانی دارد.



نمودار ۱: ساختار سنی و جنسی مهاجران دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

منبع: پردازش بر اساس نتایج کلی سرشماری ۱۳۹۰.

بررسی ساختار سنی مهاجران بیانگر ساختار جوان مهاجران در ایران است. به‌طوری‌که ۴۶ درصد کسانی که در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ جابجایی و مهاجرت داشته‌اند در سنین ۱۵ تا

۲۹ سال قرار داشته‌اند. همان‌طور که در نمودار ۲ آمده است ۴۷ درصد زنان و ۴۵ درصد مردان مهاجر در سنین جوانی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار دارند. بررسی دلایل مهاجرت‌های داخلی در پنج سال اخیر (۹۰-۱۳۸۵) نشان می‌دهد تقریباً نیمی از مهاجرت‌ها به دلیل تبعیت و پیروی از خانواده بوده است که عمدتاً بیانگر مهاجرت‌های خانوادگی می‌باشد، حدود ۱۵ درصد مهاجرت‌ها مرتبط با اشتغال و پیدا کردن شغل و ۱۴ درصد نیز به دلیل آموزش و تحصیل بوده است، حدود ۱۱ درصد برای دستیابی به مسکن مناسب‌تر و ۶ درصد نیز به جهت انجام یا پایان خدمت وظیفه بوده است. مقایسه علل مهاجرت زنان و مردان بیانگر تفاوت‌های محسوسی می‌باشد. درصد مهاجرت‌های تحصیلی در زنان اندکی بیشتر از مردان است، همچنین دوسوم زنان به دلیل پیروی و تبعیت از خانوار مهاجرت کرده‌اند. در مورد مهاجرت مردان، کار و اشتغال از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

همچنین، در سنین زیر ۱۵ سال مهاجرت‌ها بیشتر به شکل مهاجرت‌های تبعی و به پیروی از خانوار صورت می‌گیرد. در گروه سنی جوانان ۱۵-۲۹ ساله تحصیل و اشتغال برای مردان و برای زنان تحصیل و پیروی از خانوار اهمیت قابل‌توجهی پیدا می‌کند. در گروه سنی ۳۰-۴۴ سال شغل و دستیابی به مسکن بهتر برای مردان و پیروی از خانوار برای زنان مهمترین علل مهاجرتی می‌باشند. لازم به ذکر است که علل مهاجرت در سرشماری‌ها، کلی و در چند مقوله خلاصه شده است. بررسی دلایل دقیق‌تر مهاجرتی نیاز به انجام پیمایش‌های نمونه‌ای و مصاحبه‌های کیفی دارد.

۲) تحلیل تفاوت‌های جنسیتی مهاجرت

نه تنها حضور و مشارکت زنان و مردان در فرایندهای مهاجرتی متفاوت است، بلکه نقش و اثرگذاری آنها نیز متفاوت می‌باشد. نقش زنان و مردان در فرایند مهاجرتی به دو شکل نقش فعال و نقش منفعل (تبعی) مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج، در کل نمونه مورد بررسی ۵۳ درصد نقش فعال و ۴۷ درصد نقش منفعل (تبعی) در فرایند مهاجرتی داشته‌اند. با این حال تفاوت‌های جنسیتی محسوسی بین زنان و مردان مشاهده شد. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد ۸۱ درصد مردان نقشی فعال در فرایند مهاجرتی داشته‌اند، در مقایسه ۲۴ درصد زنان نقش فعال داشته‌اند. از این‌رو، زنان بیشتر به‌عنوان تبعیت‌کنندگان و بخشی از فرایند ملحق شدن به خانواده دست به مهاجرت زده‌اند.

بر اساس یافته‌های جداول ۱ و ۲ عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی نقش مهمی در بروز نقش فعال یا منفعل در فرایند مهاجرتی برای هر دو جنس دارند. بر این اساس، نقش فعال در فرایند مهاجرت با افزایش سن افزایش می‌یابد؛ البته این وضعیت فقط در مورد زنان مصداق دارد. تأثیر اشتغال به تحصیل بر نقش فعال در فرایند مهاجرتی برای زنان مثبت و برای مردان منفی است، بدین‌صورت زنانی که اشتغال به تحصیل داشته‌اند نقش فعال بیشتری در فرایند مهاجرتی داشته‌اند، این وضعیت به دلیل مهاجرت برای تحصیل یا پایان تحصیل بوده است؛ اما برای مردان قضیه برعکس بوده و آن‌هایی که اشتغال به تحصیل نداشته‌اند، بیشتر نقش فعال در فرایند مهاجرتی داشته‌اند که احتمالاً برای یافتن شغل دست به مهاجرت زده‌اند. به‌علاوه، نتایج نشان می‌دهد افراد به‌ویژه زنان دارای تحصیلات دانشگاهی نقش فعال بیشتری در فرایند مهاجرتی در مقایسه با سایر سطوح تحصیلی داشته‌اند.



جدول ۱: تحلیل دومتغیره عوامل اجتماعی-جمعیتی مؤثر بر نقش زنان و مردان در جریان مهاجرتی ۹۰-۱۳۸۵

متغیر	مقوله	نقش در جریان مهاجرتی (%)		آزمون آماری
		منفعل (تبعی)	فعال	
جنسیت	زن	۷۶,۰	۲۴,۰	$\chi^2=25342.1$ $Sig=0.001$
	مرد	۱۹,۱	۸۰,۹	
گروه سنی	۱۰-۱۹	۷۶,۳	۲۳,۷	$\chi^2=5895.9$ $Sig=0.001$
	۲۰-۲۹	۴۷,۵	۵۲,۵	
	۳۰-۳۹	۳۸,۰	۶۲,۰	
	۴۰-۴۹	۳۵,۰	۶۵,۰	
	۵۰-۵۹	۳۲,۷	۶۷,۳	
	۶۰-۶۹	۳۱,۶	۶۸,۴	
	+۷۰	۲۸,۶	۷۱,۴	
اشتغال به تحصیل	خیر	۴۴,۵	۵۵,۵	$\chi^2=758.9$ $Sig=0.001$
	بلی	۵۶,۹	۴۳,۱	
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۴۴,۸	۵۵,۲	$\chi^2=1462.8$ $Sig=0.001$
	ابتدایی	۴۹,۷	۵۰,۳	
	راهنمایی	۵۱,۰	۴۹,۰	
	متوسطه/دیپلم	۵۲,۳	۴۷,۷	
	دانشگاهی	۳۵,۱	۶۴,۹	
استفاده از اینترنت	خیر	۴۹,۷	۵۰,۳	$\chi^2=752.9$ $Sig=0.001$
	بلی	۳۸,۱	۶۱,۹	
وضعیت اشتغال	غیرشاغل	۶۸,۰	۳۲,۰	$\chi^2=21831.9$ $Sig=0.001$
	شاغل	۱۳,۸	۸۶,۲	
وضعیت زناشویی	مجرد	۵۳,۰	۴۷,۰	$\chi^2=812.7$ $Sig=0.001$
	دارای همسر	۴۵,۵	۵۴,۵	
	بیوه	۲۹,۱	۷۰,۹	
	مطلقه	۲۰,۴	۷۹,۶	
نسبت با سرپرست خانوار	سرپرست	۵,۱	۹۴,۹	$\chi^2=36886.3$ $Sig=0.001$
	همسر	۸۳,۹	۱۶,۱	
	فرزند	۶۳,۴	۳۶,۶	
	سایر	۲۵,۹	۷۴,۱	

جدول ۲: عوامل اجتماعی - جمعیتی همبسته با نقش فعال مردان و زنان در جریان مهاجرتی

نتایج رگرسیون لجستیک (Odds ratio)				نقش فعال در جریان مهاجرتی (%)		مقوله	متغیر
زن		مرد		زن	مرد		
سطح معناداری Sig	نسبت برتری EXP (B)	سطح معناداری Sig	نسبت برتری EXP (B)				
	گروه مرجع		گروه مرجع	۱۸,۴	۲۹,۴	۱۰-۱۹	
۰,۰۰۱	۱,۷۱۳	۰,۰۰۱	۴,۲۴۹	۲۳,۴	۸۴,۲	۲۰-۲۹	
۰,۰۰۱	۱,۷۴۱	۰,۰۰۱	۳,۷۰۳	۲۲,۲	۹۵,۰	۳۰-۳۹	
۰,۰۰۱	۲,۱۶۸	۰,۰۰۱	۲,۷۹۰	۳۷,۲	۹۴,۶	۴۰-۴۹	گروه سنی
۰,۰۰۱	۲,۵۱۸	۰,۰۰۱	۲,۰۵۴	۳۴,۹	۹۲,۴	۵۰-۵۹	
۰,۰۰۱	۲,۹۶۰	۰,۰۰۱	۱,۷۰۳	۴۶,۶	۸۹,۶	۶۰-۶۹	
۰,۰۰۱	۲,۸۴۹	۰,۰۰۱	۱,۸۷۹	۵۶,۶	۸۸,۷	+۷۰	
	گروه مرجع		گروه مرجع	۲۲,۴	۸۸,۱	ندارد	اشتغال به تحصیل
۰,۰۰۱	۱,۲۲۳	۰,۰۳۴	۰,۸۹۰	۳۱,۴	۵۳,۱	دارد	
	گروه مرجع		گروه مرجع	۲۹,۲	۸۷,۰	بی‌سواد	
۰,۵۰۱	۱,۰۴۱	۰,۰۷۲	۰,۸۵۷	۱۹,۶	۸۵,۹	ابتدایی	
۰,۵۵۵	۰,۹۶۴	۰,۰۰۱	۰,۷۷۴	۱۷,۶	۷۴,۱	راهنمایی	سطح تحصیلات
۰,۰۹۱	۱,۱۰۲	۰,۰۰۱	۰,۷۶۷	۱۹,۵	۷۶,۵	متوسطه/ دیپلم	
۰,۰۰۱	۱,۷۲۲	۰,۰۸۲	۱,۱۶۶	۳۷,۵	۸۸,۱	دانشگاهی	
	گروه مرجع		گروه مرجع	۲۰,۹	۸۱,۲	خیر	استفاده از اینترنت
۰,۰۰۱	۱,۳۴۵	۰,۰۵۱	۱,۱۱۶	۳۶,۷	۸۰,۲	بلی	

گروه مرجع	گروه مرجع	۲۱,۹	۵۸,۷	غیرشاغل	وضعیت اشتغال		
۰,۰۰۱	۱,۷۰۵	۰,۰۰۱	۱,۷۹۸	۴۴,۵		۹۱,۹	شاغل
گروه مرجع	گروه مرجع	۳۳,۵	۵۵,۰	مجرد			
۰,۰۰۱	۰,۴۱۹	۰,۱۶۸	۰,۹۱۳	۱۷,۷	۹۴,۵	دارای همسر	وضعیت زناشویی
۰,۰۰۱	۰,۴۴۸	۰,۰۰۱	۰,۳۷۱	۷۰,۰	۷۹,۱	بیوه	
۰,۰۰۱	۱,۷۲۰	۰,۴۰۳	۰,۸۴۲	۷۹,۲	۸۱,۰	مطلقه	
گروه مرجع	گروه مرجع	۸۶,۱	۹۵,۷	سرپرست	نسبت با سرپرست خانوار		
۰,۰۰۱	۰,۰۴۹	۰,۰۰۱	۰,۰۶۸	۱۶,۰		۵۵,۹	همسر
۰,۰۰۱	۰,۰۴۶	۰,۰۰۱	۰,۰۵۷	۲۵,۸		۴۴,۰	فرزند
۰,۰۰۱	۰,۱۴۷	۰,۰۰۱	۰,۶۳۸	۴۸,۱		۹۱,۶	سایر
۱,۲۷۷	۱,۴۴۹	B constant					
(۰,۰۰۱)	(۰,۰۰۱)	Percent predicted correctly					
۸۲,۲	۸۸,۶	Pseudo R ² (%)					
۲۶,۳	۵۲,۱						

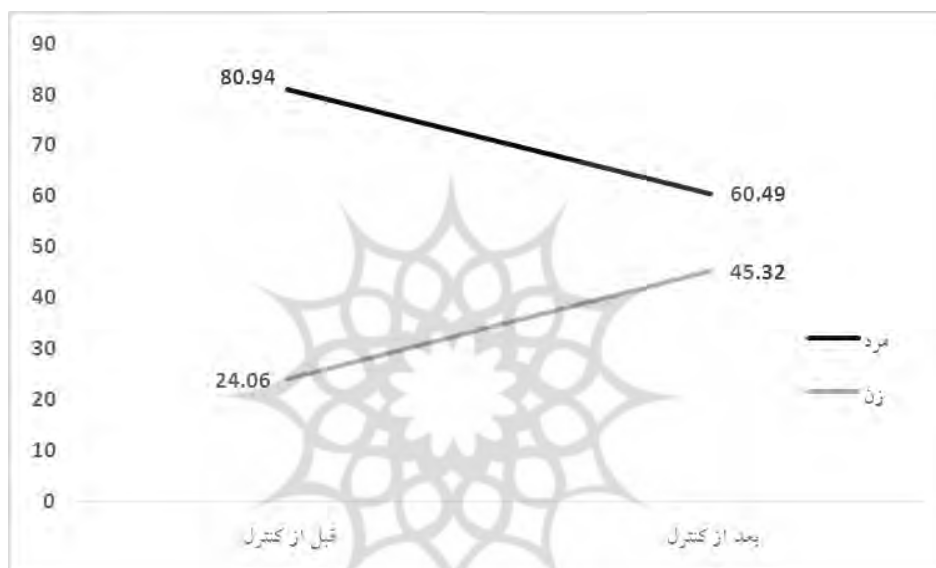
استفاده از اینترنت، تأثیر مثبت و معناداری بر نقش فعال زنان در فرایند مهاجرتی داشته است و برای مردان این تأثیر غیر معنادار بوده است. اشتغال به‌عنوان یک متغیر دیگر تأثیر مثبت و افزایشی بر داشتن نقش فعال مردان و زنان در فرایند مهاجرتی داشته است. همچنین، داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرتی برای مردان دارای همسر بیشتر از سایر وضعیت‌های زناشویی بوده و در مقابل برای زنان دارای همسر داشتن نقش فعال کمتر از سایر وضعیت‌ها و برای زنان مطلقه بیشتر بوده است. علاوه بر این‌ها، نتایج نشان می‌دهد داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرتی هم برای مردان و هم برای زنان سرپرست خانوار بیشتر می‌باشد.

از این‌رو، جنسیت به همراه سایر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به‌طور معناداری فرایند مهاجرت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا جنسیت تأثیری مستقل از سایر متغیرها و همبسته‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بر احتمال داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرت دارد یا اینکه تأثیر آن به خاطر تفاوت‌های جنسیتی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد؟ برای پاسخ به این پرسش از آزمون رگرسیون لجستیک در دو مدل ۱ و ۲ پرداختیم (جدول ۳). در مدل ۱ فقط جنسیت وارد مدل شده است و در مدل ۲ علاوه به جنسیت، سایر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی نیز وارد مدل شده‌اند. در واقع اثرگذاری جنسیت بر نقش فعال در فرایند مهاجرتی بدون کنترل (مدل ۱) و با کنترل عوامل اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی (مدل ۲) آزمون شده است.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون لجستیک از تأثیر جنسیت بر احتمال داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرتی با کنترل عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی

متغیر	مقوله	مدل ۱		مدل ۲	
		Sig	EXP (B)	Sig	EXP (B)
جنسیت	زن (R)				
	مرد	۰,۰۰۱	۱۳,۴۱	۰,۰۰۱	۲,۴۶
گروه سنی	۱۰-۱۹ (R)				
	۲۰-۲۹	۰,۰۰۱	۲,۹۶		
	۳۰-۳۹	۰,۰۰۱	۲,۸۱		
	۴۰-۴۹	۰,۰۰۱	۳,۰۵		
	۵۰-۵۹	۰,۰۰۱	۳,۰۶		
	۶۰-۶۹	۰,۰۰۱	۳,۱۳		
	+۷۰	۰,۰۰۱	۳,۰۴		
اشتغال به تحصیل	ندارد (R)				
	دارد	۰,۰۱۸	۱,۰۹		
سطح تحصیلات	بی‌سواد (R)				
	ابتدایی	۰,۹۸۶	۱,۰۰		
	راهنمایی	۰,۶۵۶	۱,۰۲		
	متوسطه/دیپلم	۰,۰۰۱	۱,۲۲		
استفاده از اینترنت	دانشگاهی	۰,۰۰۱	۱,۵۱		
	خیر (R)				
وضعیت اشتغال	بلی	۰,۰۰۱	۱,۲۳		
	غیرشاغل (R)				
وضعیت زناشویی	شاغل	۰,۰۰۱	۲,۲۶		
	مجرد (R)				
	دارای همسر	۰,۰۰۱	۰,۵۷		
	بیوه	۰,۰۰۱	۰,۴۵		
نسبت با سرپرست خانوار	مطلقه	۰,۰۲۰	۱,۲۸		
	همسر (R)				
	سرپرست	۰,۰۰۱	۲۸,۱۷		
	فرزند	۰,۰۰۱	۱,۳۸		
	سایر	۰,۰۰۱	۶,۶۳		
	B constant		-۱,۱۵۰ (۰,۰۰۱)		-۲,۳۶۶ (۰,۰۰۱)
	Percent predicted correctly		۷۸,۵		۸۴,۸
	Pseudo R ² (%)		۳۹,۰		۶۱,۹

نتایج مدل ۱ نشان می‌دهد احتمال داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرت برای مردان بیش از ۱۳ برابر زنان است. البته همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد با کنترل سایر متغیرها، تأثیر جنسیت به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد و این تفاوت به حدود ۲٫۵ برابر می‌رسد. با این حال، علی‌رغم کنترل سایر متغیرها جنسیت هنوز تأثیری مستقل و معنادار بر احتمال داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرت دارد.



نمودار ۲: نقش فعال مردان و زنان در جریان مهاجرتی قبل و بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی

بدین ترتیب، همان‌طور که در نمودار ۲ مشخص است بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، تفاوت‌های جنسیتی داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرتی حدود ۷۳ درصد کاهش می‌یابد. از این‌رو، بخش قابل توجهی از تفاوت‌های جنسیتی بازتاب تفاوت‌ها و نابرابری‌ها در وضعیت‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در گذشته این مردان بودند که عمدتاً به‌دنبال فرصت‌های شغلی و تحصیلی دست به مهاجرت می‌زدند و زنان بیشتر در قالب ازدواج و ملحق شدن به خانواده مهاجرت می‌کردند،

اما امروزه زنان علاوه بر دلایل اخیر، به دنبال دسترسی به فرصت‌های شغلی و تحصیلی مهاجرت می‌کنند. بررسی روندهای اخیر مهاجرتی در ایران نشان می‌دهد سطوح و الگوهای مهاجرتی، جنسیت محور هستند. مردان و زنان به‌طور متفاوتی فرایند مهاجرت را تجربه می‌کنند. زنان مؤلفه مهمی در فرایند مهاجرت محسوب می‌شوند که می‌توانند در مراحل قبل، حین و بعد از مهاجرت نقش و تأثیرگذاری مهمی داشته باشند. نسبت زنان در جمعیت‌های مهاجر افزایش یافته است. مهاجرت مستقل زنان پدیده‌ای نوظهور در فرایندهای مهاجرتی در ایران است. در سال‌های اخیر نسبت زنانی که نقش فعالی در فرایند مهاجرت داشته‌اند افزایش قابل توجهی داشته است.

بر اساس نتایج مطالعه، سهم و نقش زنان و مردان در فرایندهای مهاجرتی و همچنین دلایل مهاجرت تفاوت‌های جنسیتی اساسی وجود دارد. مردان بیشتر از زنان و عمدتاً به دلایل اقتصادی (نظیر شغلی) مهاجرت می‌کنند. برای زنان، مهاجرت بیشتر متأثر از دلایل اجتماعی و فرهنگی (نظیر کسب سرمایه انسانی و افزایش تحصیلات) است. از لحاظ داشتن نقش فعال یا منفعل در فرایند مهاجرتی نتایج مطالعه نشان داد که مردان نقش فعال‌تری نسبت به زنان دارند. در مهاجرت با منشأ شهری و همچنین مهاجرت‌های شهر به شهر سهم نقش فعال زنان بیشتر بوده است. بررسی تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی این وضعیت نشان داد که وضعیت اشتغال تأثیری مثبت بر نقش فعال در هر دو گروه زنان و مردان دارند. همچنین، سرپرست خانوار بودن مردان و زنان در افزایش نقش فعال آنها در فرایند مهاجرتی اثرگذار بوده است. در این خصوص، برخی مطالعات نشان داده‌اند که نه تنها جنسیت، بلکه موقعیت آنها در درون خانوار نیز مانند دختر، همسر، مادر یا سرپرست خانوار بودن به‌طور قابل توجهی بر مهاجرت تأثیرگذار است (لوبی و استارک ۱۹۸۸؛ کیورن، ۱۹۹۵ و کیورن و ساگوی ۲۰۰۱).

وضعیت تأهل (دارای همسر بودن) اثر مثبت برای مردان و اثر منفی بر نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت داشته است. اشتغال به تحصیل، افزایش سطح تحصیلات و استفاده از اینترنت اثرات مثبتی بر نقش فعال زنان در فرایندهای مهاجرتی دارد. وضعیت اخیر خود می‌تواند گویای پیامدهای تغییرات اجتماعی و توسعه بر مهاجرت‌های زنان باشد. برای مثال، یکی از مهم‌ترین علل مهاجرت دختران و زنان را می‌توان کسب علم و تحصیل است؛ زیرا بسیاری از دختران پس از اتمام دوره متوسطه و قبولی در کنکور آن‌هم در شهرهایی خارج از محل سکونت خود، به مهاجرت به شهر محل تحصیل پرداخته و گاهاً تحصیلات تکمیلی

خود را نیز در شهر دیگری می‌گذرانند. همین چند سال تجربه اقامتی و وجود فرصت‌های شغلی منجر به انگیزه انتخاب شهر محل تحصیل برای ادامه زندگی می‌شود. بر این اساس، جنسیت عامل کلیدی در درک علل و پیامدهای مهاجرت است. امروزه زنان نه فقط به‌عنوان تبعیت‌کنندگان، بلکه آنان به‌عنوان عوامل و کارگزاران مستقل و حامیان و برنامه‌ریزان خانواده مهاجرت می‌کنند. این تغییر با دگرگونی جایگاه و موقعیت زنان در خانواده و اجتماع در پی فرایند توسعه و جهانی‌شدن، افزایش میزان آگاهی، مشارکت اجتماعی، اشتغال و تحصیلات زنان قابل تبیین است. بر این اساس، همان‌طور که نتایج بررسی نشان داد نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت به‌طور مثبت و قویاً با تحصیلات و مشارکت اقتصادی مرتبط است.

نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، تفاوت‌های جنسیتی داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرتی حدود ۷۳ درصد کاهش می‌یابد؛ بنابراین، به دنبال وقوع تغییرات اجتماعی و توسعه‌ای در سطوح خرد و کلان جامعه نقش زنان در فرایند مهاجرت افزایش یافته است تا جایی که امروزه از پدیده زنانه شدن مهاجرت نام‌برده می‌شود. علیرغم افزایش سهم و نقش مستقل زنان در فرایندهای مهاجرتی، هنوز تفاوت‌های جنسیتی محسوسی در این زمینه وجود دارد و در تصمیم‌گیری‌های مهاجرت مردان دارای نقشی فعال‌تر از زنان می‌باشند. در تبیین غلبه مردان بر جریان‌های مهاجرتی بر نابرابری‌های جنسیتی در سطوح کلان (سطح ساختاری) و خرد (سطح خانوار) تأکید شده است (استکلو و همکاران، ۲۰۱۰). این نابرابری‌ها عاملیت و قدرت زنان را در فرایند مهاجرت محدود می‌کند. در این زمینه نتایج مطالعه نشان داد که پس از کنترل تأثیر عوامل مرتبط با موقعیت اقتصادی و اجتماعی که جلوه‌هایی از نابرابری اجتماعی محسوب می‌شوند، تفاوت‌های جنسیتی در داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرتی به‌شدت کاهش می‌یابد. از این‌رو، همانند مطالعات قبلی (نظیر جولی و ریوس، ۲۰۰۵ و گاباسیا، ۲۰۱۳) ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، روابط و نابرابری‌های جنسیتی مهم‌تر از تفاوت‌های بیولوژیکی، به تبیین تفاوت‌های جنسیتی مهاجرت می‌پردازند. از این‌رو، نقش زنان در فرایند مهاجرت توسط ساختارها و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه تنظیم می‌شود.

به‌طورکلی می‌توان از این مقاله چنین نتیجه‌گیری کرد که بخش قابل‌توجهی از تفاوت‌های جنسیتی بازتاب تفاوت‌ها و نابرابری‌ها در وضعیت‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی

آنها می‌باشد؛ بنابراین، رابطه جنسیت و مهاجرت، پیچیده است و توسط عوامل متعددی در سطوح مختلف تبیین می‌شود. در سطح کلان، نظام‌های اقتصادی و بازار کار؛ در سطح میانی، شبکه‌های مهاجرتی و در سطح خرد، عوامل فردی مانند محرومیت نسبی و سرمایه انسانی مهاجرت مردان و زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هوفمن، ۲۰۱۴). تحلیل جنسیتی این عوامل نشان می‌دهد که نیازهای بازار کار در ایران به شدت جنسیتی است، فرصت‌های شغلی عمدتاً برای مردان در دسترس هست. میزان مشارکت اقتصادی زنان کمتر از ۱۵ درصد و میزان بیکاری زنان بیش از دو برابر مردان است. همچنین، شبکه‌های اجتماعی و گستره آنها به‌ویژه در فرایند مهاجرت برای مردان و زنان متفاوت است. هنجارهای اجتماعی و ایدئولوژی‌های جنسیتی که گستره آن در مناطق مختلف کشور متفاوت است، عمدتاً مردسالارانه بوده و جریان مهاجرتی زنان را تحت تأثیر قرار داده است. همان‌طور که هوفمن (۲۰۱۴) بیان می‌کند در جوامع مردسالار، تعداد مهاجران زن کمتر است و در مقابل در کشورهایی که زنان استقلال بیشتری دارند، بیشتر دست به مهاجرت می‌زنند.

بدین ترتیب، مهاجرت، فرایندی جنسیتی است؛ زیرا دلایل، مسیرها، الگوها و پیامدهای مهاجرت برای مردان و زنان متفاوت است. از این‌رو، نه تنها بایستی فرایند مهاجرت را از لنز جنسیتی مورد مطالعه قرار داد بلکه نظام داده‌ای و سیاست‌های مهاجرتی نیز بایستی مبتنی بر ماهیت جنسیتی جریانات مهاجرتی باشد.

منابع

- محمودیان، حسین؛ بی‌بی رازقی نصرآباد، حجه و کارگر شورکی، محمدرضا (۱۳۸۸)، زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴۴.
- صادقی، رسول (۱۳۸۸)، ویژگی‌های جمعیتی مهاجران خارجی در ایران بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، فصلنامه گزیده مطالب آماری (مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران)، سال ۲۰، شماره ۱ (بهار و تابستان).
- حسن‌پور فرد، علی (۱۳۸۹)، گرایش به مهاجرت و جنسیت: مطالعه موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- جعفری، نرگس (۱۳۹۰)، نگاهی به تحولات مهاجرت زنان در نقاط شهری شهرستان مشهد، مقاله ارائه شده در پنجمین همایش منطقه‌ای زن ایرانی و پژوهش، سبزوار، ۵ اسفند.
- اسماعیلی، نصیبه (۱۳۸۸)، بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- مشفق، محمود و خزایی، معصومه (۱۳۹۴)، تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۷.
- موثقی‌جدیدی، حسین و خاتون‌آبادی، احمد (۱۳۸۸)، تعیین رابطه عوامل درون خانوار و مهاجرت اعضای خانوارهای روستایی شهرستان مرند به شهرها در سال ۱۳۸۳، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۳.
- Castles, S. and Miller, M. J. (2003), *The Age of Migration* (3rd ed.), New York: Guilford Press.
- Chant, S. and Radcliffe, S. A. (1992), *Migration and Development: the Importance of Gender*, In S. Chant (Eds). *Gender and Migration in Developing Countries*, London: Belhaven Press.
- Chattopadhyay, A. (2000), *Gender Differences in Socioeconomic Returns to Family Migration in Malaysia: The Role of Family Decision Making Versus Labor Market Stratification*, *Gender Issues*, Spring 2000, 29-48.
- Curran, S. R. (1995), *Gender Roles and Migration: Good Sons vs. Daughters in Rural Thailand*, *Population Research Center Working Paper 95-11*, University of Washington.
- Curran, S. R. and A. C. Saguy (2001), *Migration and Cultural Change: A Role for Gender and Social Networks?*. *Journal of International Women's Studies*, 2(3), 54-77.
- Curran, S. R., Shafer, S.; Donato, K. M. and Garip, F. (2006), *Mapping Gender and Migration in Sociological Scholarship: Is It Segregation or Integration?*, *International Migration Review* 40(1): 199-223.

- Dannecker, P. and Sieveking, N. (2009), Gender, Migration and Development: An Analysis of the Current Discussion on Female Migrants as Development Agents, Working Papers – Centre on Migration, Citizenship and Development.
- Donato, K. M., and Gabaccia, D. (2015), Gender and International Migration From the Slavery Era to the Global Age, Russell Sage Foundation.
- Hofmanna, E. T. (2014), Does Gender Ideology Matter in Migration?, *International Journal of Sociology*, 44(3): 23-41.
- International Organization for Migration (2003), Gender and Migration in Asia: Overview and Annotated Bibliography, Brighton: Institute of Development Studies.
- Jolly, S. and Reeves, H. (2005), Gender and Migration: Overview Report, Institute of Development Studies.
- King, R. (2012), Theories and Typologies of Migration: An Overview and a Primer, Working Papers in International Migration and Ethnic Relations 3/12, Malmö Institute for Studies of Migration, Diversity and Welfare (MIM) Malmö University
- Lauby, J. and Stark, O. (1988), Individual Migration As a Family Strategy: Young Women in the Philippines, *Population Studies*, 42(3): 476-86.
- Lee, H. K. (2011), The Dynamics of Migration Processes: The Gender Dimension in Asian-Australian Migration, Working Paper, Department of Immigration and Citizenship, Australia.
- Ortiz V. (1996), Migration and Marriage among Puerto Rican women, *International Migration Review*, 30(2): 460-484.
- Parrado E. A. and Flippen, C. A. (2005), Migration and Gender among Mexican women, *American Sociological Review*, 70(4): 606-632.
- Massey, D. S.; Arago, J.; Hugo, G.; Kouaouci, K.; Pellegrino, A. and Taylor, J. E. (1998), *World in motion: understanding international migration at the end of the millennium*, Oxford: Oxford University Press.
- Stafford, S. B. H. (1984), Haitian Immigrant Women: A Cultural Perspective, *Anthropologica*, 26(2): 171-189.
- Stecklov, G., C. Carletto, C. Azzarri, and B. Davis (2010), Gender and Migration from Albania, *Demography*, 47(4): 935-961.
- United Nations (2016), *International Migration Report 2015*, Department of Economic and Social Affairs, New York.